



مجموعہ آثار

علامہ سید مرتضیٰ عسکری

برگستره کتاب و سنت

مترجمہ: محمد جواد کرمی



نوسل به پیامبران و تبرک به آثار ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر کسزہ کتاب وسنت

توسل بہ پیامبران خدا و تبرک بہ آثار ایشان

تألیف: علامہ سید مرتضیٰ عسکری

ترجمہ: محمد جواد کرمی

تصحیح و تنظیم: کرمرضا خزلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا
اللّهَ وَاليَوْمَ الآخرَ وَذَكَرَ اللّهَ كَثِيرًا). (سوره احزاب، آیه ۲۱)
به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما
اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز
قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، و الصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفیهم و منكری فضائلهم).

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جامانندگان در راهند.

انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقهاء هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه برخورد‌های سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** و مکتب خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت.

بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتها خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده هفده جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب **اهل بیت (علیهم السلام)** است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتهای و آثار علامه عسکری و گسترش هرچه بیشتر دامنه این فعالیتهای در فعالیتهای در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

مقدمه

(وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ
السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ الطَّيِّبِينَ الْمَيَامِينِ).

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع
برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به
تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما
چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجَاكُمْ) (۱)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان
شوید و قدرت و شوکت شما برود!

پاورقی:

۱- سوره انفال، آیه ۴۶.

آری:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (۱)

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به « کتاب و سنت » بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور « کتاب و سنت » باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

(فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ) (۲)

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به « کتاب و سنت » مراجعه کرده و ابزار روشنگر راهنما در مسائل مورد اختلاف را از « کتاب و سنت » می گیریم تا به اذن خدای متعال بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود. امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

پاورقی:

۱- سوره شوری، آیه ۳۰.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

توسل به پیامبران خدا و تبرک به آثار ایشان

توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تبرک به آثار او در حیات و ممات

برخی از مسلمانان در بحث از صفات انبیا گویند:
تبرک جستن به آثار انبیا و عبادتگاه گرفتن محل قبر ایشان شرک است.
بازسازی و بنای بر قبور آنان در حد شرک است. مجلس بزرگداشت تولد ایشان و تولد اولیا معصیت و بدعت حرام است.
و در یک کلام، توسل به خدا به وسیله غیر خدا، در حد شرک است، و وسیله قرار دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از وفات آن حضرت، مخالف شرع اسلام است.

مخالفان این گروه در پاسخ چنین استدلال می کنند که:

الف) تبرک جستن به آثار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در همه کتب حدیثی با نقل متواتر آمده است که: صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زمان حیات ایشان با مباشرت و خواسته خود آن حضرت به

آثار او تبرک می جستند. چنانکه پس از وفات ایشان نیز، این روش را ادامه دادند. برخی از دلایل ایشان چنین است:

تبرک جستن به آب دهان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در صحیح بخاری (۱) از سهل بن سعد روایت کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در جنگ خیبر فرمود:

« فردا این پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداوند خیبر را به دست او می گشاید، او دوستدار خدا و رسول خداست و خدا و رسول خدا دوستدار اویند.»

راوی گوید: مردم آن شب را به سختی سپری کردند تا بدانند پرچم به دست کدامین آنها داده خواهد شد. بامدادان همگی به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و هر یک امید آن داشت که پرچم به او داده شود که رسول خدا فرمود: علی کجاست؟ گفته شد: یا رسول الله او از درد چشمانش می نالد. پیامبر

پاورقی:

۱- صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب غزوه خیبر، ج ۳، ص ۳۵، و کتاب الجهاد و السیر، ج ۲، ص ۱۰۹، باب ۱۰۲، و باب ما قيل فی لواء النبی، ج ۲، ص ۱۱۱، و باب فضل من اسلم علی یدیه رجل، ج ۲، ص ۱۱۵، و کتاب فضائل اصحاب النبی، باب مناقب علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل علی بن ابی طالب رض، حدیث ۳۲ و ۳۴، و باب غزوة ذی قرد و غیرها، حدیث ۱۳۲؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب، ج ۱۳، ص ۱۷۲.

به دنبال او فرستاد تا حاضر شد، و دو چشم او را با آب دهان شفا بخشید، به گونه ای که گویا دردی وجود نداشته است... تا آخر حدیث. (۱)

این روایت در صحیح مسلم از قول سلمه بن اکوع چنین است:
گوید: نزد علی آمدم و او را که دچار درد چشم بود با خود می کشیدم تا نزد رسول خدایش آوردم. آن حضرت با آب دهان چشمانش را شفا بخشید و پرچم را به دست او داد. (۲)

تبرک جستن به وضوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

در صحیح بخاری از انس بن مالک روایت کند که گفت:
وقت نماز عصر فرا رسید و مردم برای وضو به جستجوی آب پرداختند و آن را نیافتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ظرف وضو سر رسید و دست خود را در آن نهاد و به مردم فرمود وضو بگیرند. ناگهان دیدم آب از سر انگشتان آن حضرت همچون چشمه می جوشید و مردم تا آخرین نفر از آن وضو گرفتند. (۳)

و در روایت دیگری از جابر بن عبدالله گوید:
من با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودم که وقت نماز عصر فرا رسید و ما جز
پاورقی:

۱- صحیح بخاری، باب دعاء النبی الی الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲- صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، حدیث ۱۳۲.

۳- صحیح بخاری، کتاب الوضوء، باب التماس الوضوء اذا كانت الصلاة، ج ۱، ص ۳۱.

اندکی آب نداشتیم. آن را در ظرفی ریختند و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردند. ایشان دست خود را در آن فرو بردند و انگشتان خود را باز کردند و فرمودند: وضوگیرندگان بشتابند که خداوند برکت افزایش دهد. ناگهان دیدم آب از میان انگشتان آن حضرت می جوشید تا آنگاه که مردم وضو گرفتند و نوشیدند، و این معجزه چنان در من اثر کرد که دیگر دچار تردید نگشتم و دانستم که این عین برکت است. به جابر گفتند: شما در آن روز چند نفر بودید؟ گفت: یک هزار و چهارصد نفر! و در روایت دیگری، پانصد نفر. (۱)

تبرک جستن به موی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

مسلم در صحیح خود روایت می کند که:

« رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به منی آمد و پس از رمی جمرات و قربانی کردن، سر خود را تراشید و آن را به مردمان داد ».

و در روایت دیگری گوید:

« آن حضرت سرتراش را فرا خواند و پس از تراشیدن موها، آنها را به اباطلحه داد. راوی گوید: او نیز آنها را میان مردم تقسیم

پاورقی:

۱- صحیح بخاری، کتاب الأشربة، باب شرب البركة و الماء المبارك، ج ۳، ص ۲۱۹؛ سنن نسائی کتاب الطهارة، باب الوضوء من الاناء، ج ۱، ص ۲۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰۲؛ سنن دارمی، از قول عبدالله بن عمر، باب ما اكرم الله النبي من تفجر الماء من بين اصابه، ج ۱، ص ۱۵.

کرد». (۱)

و نیز از انس بن مالک روایت کند که گفت:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دیدم که سر می تراشید
و صحابه آن حضرت دور او را گرفته بودند تا هر مویی که فرو افتد
در دست یکی از آنان قرار گیرد». (۲)

و در کتاب اسد الغابه در شرح حال خالد بن ولید گوید:

«خالد بن ولید که در نبرد با ایرانیان و رومیان نقش ویژه و
برجسته ای داشت به هنگام فتح دمشق در شب کلاهی که با آن می
جنگید، تار مویی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را قرار داده
بود که به برکت آن فتح و ظفر می جست و همیشه پیروز بود».

همچنین در شرح حال او در اصابه و مستدرک حاکم گویند:

«خالد بن ولید در نبرد یرموک شب کلاه خویش را گم کرد و
دستور داد آن را بجویند. ابتدا آن را نیافتند، ولی دوباره جستجو

پاورقی:

۱- صحیح مسلم، کتاب الحج، باب بیان ان السنة يوم النحران یرمی ثم ینحر ثم یحلق،
حدیث ۳۲۳ و ۳۲۶؛ سنن ابوداود، کتاب المناسک، باب الحلق و التقصیر، حدیث ۱۹۸۱؛ طبقات
ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۵؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۱۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۶، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۳۹، ۲۵۶،
۲۸۷ ج ۴، ص ۴۲؛ مغازی واقدی، ص ۴۲۹.

۲- صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب قرب النبی من الناس و تبرکهم به، حدیث ۷۴، ص
۱۸۱۲.

کردند و آن را یافتند و دیدند شب کلاهی کهنه و مندرس است. خالد گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سالی عمره به جای آورد و سر تراشید. مردمان به جمع آوری موهای آن حضرت پرداختند و من در گرفتن موی پیشانی بر آنان سبقت گرفتم و آن را در این شب کلاه نهادم و اکنون در هیچ نبردی حاضر نمی شوم که این شب کلاه با من باشد مگر آنکه پیروزی نصیب من می گردد». (۱)

و در صحیح بخاری روایت کند که:

«تارهایی از موی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد ام سلمه زوجه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود که هرگاه کسی را چشم زخمی می رسید ظرف آبی خدمت ایشان می فرستاد تا آن موها را در آن فرو کند و آسیب دیده را شفا بخشد». (۲)

عبیده گوید:

«اگر یک تار موی پیامبر نزد من باشد از همه دنیا و هرچه در آن است نزد من محبوبتر است». (۳)

پاورقی:

-
- ۱- مستدرک حاکم، کتاب معرفة الصحابة، باب مناقب خالد بن الوليد، ج ۳، ص ۲۹۹. فشرده این روایت در منتخب کنز العمال، در حاشیه مسند احمد، ج ۵، ص ۱۷۸ و تاریخ ابن کثیر، ج ۷، ص ۱۱۳ نیز آمده است.
 - ۲- صحیح بخاری، کتاب اللباس، باب ما يذكر في الشيب، ج ۴، ص ۲۷، که ما فشرده آن را آوریم.
 - ۳- طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۶۳؛ صحیح بخاری، کتاب الوضوء، باب الماء الذي يغسل به شعر الانسان، ج ۱، ص ۳۱.

تبرک جستن به لباس پیامبر (صلی الله علیه و آله)

عبدالله خادم اسماء دختر ابوبکر گوید:

«بانوی من اسماء جبه و روپوش بلندی با نشانهای سبز به من نشان داد و گفت: این جبه را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می پوشید و ما آن را می شویم و از آن شفا می گیریم.» (۱)

و در صحیح مسلم گوید:

«این جبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. سپس جبه ای بلند و خسروانه بیرون آورد که جادکمه ها و چاکهای آن از حریر و دیباج بود و گفت: این جبه نزد عایشه بود تا از دنیا رفت و پس از او به من رسید. پیامبر آن را می پوشید و ما آن را می شویم تا بیماران به وسیله آن بهبود یابند.» (۲)

پاورقی:

-
- ۱- مسند احمد، ج ۶، ص ۳۴۸؛ طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۲، باب ذکر لباس النبی؛ تاریخ الاسلام ذهبی السیره النبویه، ص ۵۰۳؛ السیره النبویه و الآثار المحمدیه، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، ص ۲۲۵.
- ۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۱، کتاب اللباس و الزینة، باب تحریم استعمال اناء الذهب و الفضة، حدیث ۲۰۶۹.

تبرک جستن به تیر و پیکان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

بخاری درباره صلح حدیبیه روایت کرده و گوید:

« رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با سپاهیان خود در انتهای حدیبیه بر سر چاهی کم آب فرود آمدند مردم به سوی آن شتافتند و با سرعت آب آن را کشیدند و اندکی بعد از تشنگی به رسول خدا شکوه کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) تیری از تیردان خود بیرون کشید و فرمود تا آن را در درون چاه قرار دهند. پس به خدا سوگند پیوسته جوشید و آنان را سیراب کرد تا از آنجا کوچ کردند ». (۱)

تبرک جستن به جای دست پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در کتاب اصابه و مسند احمد در شرح حال حنظله روایتی است که فشرده

پاورقی:

۱- صحیح بخاری، کتاب الشروط، باب الشروط فی الجهاد و المصالحة مع اهل الحرب، ج ۲، ص ۸۱، و کتاب المغازی، باب غزوة الحديبية؛ طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۹. و ج ۱، قسمت اول، ص ۱۱۸؛ مغازی واقدی، ص ۲۴۷.

آن چنین است. حنظلہ گوید:

« جد من مرا خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برد و گفت: من پسرانی بزرگ و کوچک دارم که این کوچکترین آنهاست. برای او دعا بفرمایید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستی بر سر او کشید و فرمود: « خداوند سعادتت افزایش دهد. یا: او سعادتمند است ». راوی گوید: با چشم خود دیدم که بیماران صورت باد کرده یا حیوانات پستان ورم کرده را نزد حنظلہ می آوردند و او بر دست خود آب دهان می زد و با « بسم الله » آن را بر سر خود می کشید و می گفت: این جای دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. سپس محل ورم کرده را مسح می کرد و به گفته راوی، ورم برطرف می شد. (۱)

و در عبارت اصابه آمده است:

« حنظلہ بسم الله می گفت و دستش را بر سر خود، که جای دست رسول خدا بود، می نهاد و آن را مسح می کرد و سپس بر محل ورم کرده می کشید و آماس آن برطرف می شد. »



پاورقی:

۱- مسند احمد، ج ۵، ص ۶۸. مشروح آن در شرح حال حنظلہ بن حذیم بن حنیفه در اصابه آمده است.

باری، برکت و فرخندگی همچون نور خورشید و عطر شکوفه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اطراف او پراکنده می شد؛ و در کودکی و بزرگی، در سفر و حضر، در شب و روز، هیچ گاه از آن حضرت جدا نگردید. چه آنگاه که در خیمه حلیمه سعدیه مادر رضاعی خود بود، و چه در سفر شام برای تجارت، یا در خیمه ام معبد در حال هجرت، یا در مدینه در کسوت قیادت و رهبری و حکومت.

و بدیهی است که آنچه را ما در اینجا آوردیم نمونه ای از انواع است و ما هرگز در صدد آمار و احصاء نبوده ایم. زیرا، احصای همه در توان هیچ پژوهشگری نگنجد و آنچه بیان شد برای دارندگان قلب سلیم و گوش شنوا و دل آگاه بسنده باشد.

در بخش بعد موضوع شفاعت خواهی و وسیله قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به درگاه خدای متعال را بررسی کرده و سپس به یاری خدا به منشأ اختلاف درباره ویژگیها و امتیازات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر سایر مردمان می پردازیم.

توسل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

معتقدان به جواز و مشروعیت توسل به رسول الله (صلی الله علیه و آله) و وسیله قرار دادن آن حضرت به درگاه خداوند متعال در همه دورانها، می گویند: اینگونه توسل پیش از خلقت رسول خدا و در زمان حیات و بعد از وفات آن حضرت با رضای الهی انجام گرفته است و همچنان تا روز قیامت نیز، به دلایل زیر، ادامه می یابد:

نخست: توسل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قبل از خلقت

گروهی از راویان حدیث از جمله حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک خود از قول عمر بن خطاب روایت کنند که:

« آدم هنگامی که دچار آن لغزش گردید، عرض کرد: پروردگارا! از تو می خواهم که به حق محمد و آل محمد مرا ببخشی. خداوند سبحان فرمود: ای آدم! تو محمد را چگونه شناختی در حالی که من هنوز او را نیافریده ام؟

عرض کرد: پروردگارا! هنگامی که مرا به دست قدرت خود آفریدی، و از روح خودت در من دمیدی، سر که برداشتم دیدم بر ستونهای عرش نوشته شده: لا

اله الا الله محمد رسول الله. پس دانستم که تو نام کسی جز محبوب ترین آفریده ات را کنار نام خود قرار نمی دهی.

خداوند فرمود: راست گفتی ای آدم! او محبوب ترین آفریده های من است. مرا به حق او بخوان که تو را بخشیدم و اگر محمد نبود تو را نمی آفریدم» (۱)

این حدیث را طبرانی نیز در کتاب خود آورده و بر آن افزوده: «و او آخرین پیامبر نسل توست».
و در تفسیر این آیه شریفه:

(وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ). (۲)

و هنگامی که از سوی خدا کتابی به سویشان آمد که تصدیق کننده کتاب آنان است، و آنها خود پیش از این به نام آورنده آن بر کفار پیروزی می جستند. حال که همان شناسای ایشان به سویشان آمده به آن کافر شدند. پس لعنت خدا بر کافران باد.

محدثان و مفسران در تفسیر این آیه روایت کرده اند که: یهود مدینه و خیبر پیش از بعثت هرگاه با همسایگان عرب و مشرک خود از قبیله اوس و خزرج و غیر ایشان، می جنگیدند، به نام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که در تورات یافته بودند بر آنان پیروزی می جستند و پیروز می شدند و علیه کفار دعا می پاورقی:

۱- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۵۳؛ تحقیق النصره، مراغی ت ۸۱۶ هجری ص ۱۱۳ - ۱۱۴، به نقل از طبرانی.
۲- سوره بقره، آیه ۸۹.

کردند و می گفتند:

« پروردگارا! به حق نبیّ امّی از تو می خواهیم که ما را بر آنها پیروز گردانی » یا می گفتند: « پروردگارا! به نام نبی خودت ما را بر آنها پیروز گردان ». (۱)

اما هنگامی که کتاب خداوندی، قرآن کریم و تصدیق کننده تورات و انجیل به وسیله کسی که او را به خوبی و بی تردید می شناختند، یعنی محمد، به سوبشان آمد، بدان کافر شدند، زیرا او از بنی اسرائیل نبود. (۲)

دوم: توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حال حیات

احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه و بیهقی از عثمان بن حنیف روایت کنند که: مردی نابینا خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: از خدا بخواه مرا بهبود بخشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: « اگر خواستی دعا می کنم و اگر بخواهی صبر می کنی که برای تو بهتر است ». عرض کرد: دعا بفرمایید. پیامبر به او فرمود: « وضو بگیر، وضویی نیکو و این دعا را بخوان:

پاورقی:

۱- از این روایات چنین ظاهر می شود که آنها با امثال اینگونه دعاها خداوند جلیل را می خواندند: دعاهایی که دربردارنده توسل به رسول خداست.

۲- این روایات از حیث مضمون متواتر است و در کتابهای زیر آمده است:
دلائل النبوة، بیهقی، ص ۳۴۳ - ۳۴۵. تفسیر طبری در تفسیر آیه؛ تفسیر نیشابوری در حاشیه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۲۶۳؛ تفسیر سیوطی به نقل از دلائل النبوة ابونعیم، تفسیر محمد بن عبد حمید؛ تفسیر عبدالرحمان بن ابی حاتم بن ادريس رازی؛ تفسیر محمد بن ابراهیم بن المنذر نیشابوری ت ۳۱۸ هجری.

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَآتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. يَا مُحَمَّدُ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتُقْضَى لِي. اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِي).

پروردگارا! من به وسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم و از تو درخواست می کنم. ای محمد! من برای درخواست حاجتم از خداوند نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا خواسته ام برآورده گردد. خداوندا! او را شفیع و وسیله من قرار ده. (۱)

این روایت را بیهقی و ترمذی صحیح السند دانسته اند.

سوم: توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از وفات

طبرانی در معجم الکبیر از عثمان بن حنیف روایت کند که:

«مردی برای نیاز خویش نزد عثمان بن عفان آمد و شد می کرد ولی عثمان به او و خواسته او توجهی نشان نمی داد. آن مرد ابن حنیف را دید و از وضع موجود شکوه کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: به وضوخانه برو وضو بگیر. سپس به مسجد در آی و دو رکعت نماز بگزار و بگو:

پاورقی:

۱- مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸؛ سنن ترمذی، کتاب الدعوات، ج ۱۳، ص ۸۰ - ۸۱؛ سنن ابن ماجه، کتاب اقامه الصلاة و السنة فیها، باب ما جاء فی صلاة الحاجه، حدیث ۱۳۸۵، ص ۴۴۱. ابن اثیر با سند خود در شرح حال عثمان بن حنیف در اسدالغابه، بیهقی بنابر نقل صاحب کتاب تحقیق النصره از او و تحقیق النصره، ص ۱۱۴. ما عبارت احمد بن حنبل، امام حنابله، را از آن رو آوردیم که منکران شفاعت از پیروان ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب پیروان احمد بن حنبل اند.

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ لِي رَبِّي لِتَقْضِيَ حَاجَتِي) و تذكر حاجتك.

پروردگارا! من به وسیله پیامبرمان محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم و از تو درخواست می کنم. ای محمد! من برای رفتن به سوی خدا نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا حاجتم برآورده گردد. سپس خواسته ات را یادآور می شوی.

آن مرد رفت و آنچه به او گفته بود انجام داد. سپس به در خانه عثمان بن عفان آمد که ناگهان دربان خانه نزد او آمد و دستش را گرفت و وارد مجلس عثمان کرد. او نیز وی را روی زیرانداز کنار خود نشانید و گفت: خواسته ات چیست؟ او خواسته اش را بیان کرد و وی آن را برآورده ساخت. سپس به او گفت: تو تا این ساعت نیازت را یادآور نشده بودی، و گفت: هر نیاز و حاجت دیگری که داری بیان کن. (۱)

(ج) توسل به قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در سنن دارمی و وفاء الوفاء سمهودی از اوس بن عبدالله روایت کنند که گفت:

«مردم مدینه دچار قحطی شدید شدند و به عایشه شکوه کردند. عایشه گفت: به سوی قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بروید و دریچه ای از آن به سوی آسمان باز کنید تا میان قبر و آسمان سقفی نباشد.

پاورقی:

۱- تحقیق النصره، ص ۱۴ و ۱۱۵، به نقل از معجم کبیر طبرانی.

راوی گوید: چنین کردند. پس از آن، چنان بارانی بر ما بارید
که گیاهان روییدند و شتران فربه شدند». (۱)

(د) توسل به عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در صحیح بخاری است که:

« عمر بن خطاب هرگاه قحطی می شد عباس بن عبدالمطلب را
شفیع و وسیله قرار می داد و می گفت: (اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ
بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا. قَالَ: فَيَسْقُونَ).
پروردگارا! ما در گذشته با توسل به پیامبرمان به سوی تو می
آمدیم و تو بارانمان می دادی و سیرابمان می کردی و اکنون با
توسل به عموی پیامبرمان به سوی تو می آییم. پس، بارانمان ده و
سیرابمان کن».

راوی گوید: پس از آن باران می بارید و سیراب می شدند. (۲)

(ه) توسل به لباس پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای کاستن از فشار قبر

در کنز العمال، استیعاب، اسد الغابه و اسابه در شرح حال فاطمه بنت اسد از
ابن عباس روایت کنند که گفت:
پاورقی:

۱- سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۳ - ۴۴؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۵۴۹.

۲- صحیح بخاری، کتاب الاستسقاء، باب سؤال الناس الامام الاستسقاء اذا قحطوا و کتاب
فضائل اصحاب النبی، باب مناقب عباس بن عبدالمطلب، ج ۲، ص ۲۰۰ و ج ۱، ص ۱۲۴؛ سنن
بیہقی، کتاب صلاة الاستسقاء، باب الاستسقاء بمن ترجی برکة دعائه، ج ۳، ص ۳۵۲.

« هنگامی که فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) وفات کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیراهن خود را بر او پوشانید و در قبر وی در کنار او خوابید. حاضران با تعجب گفتند: آنچه را که با این جنازه انجام دادی، تا به حال از شما ندیده بودیم! فرمود: «این برای آن است که هیچ کس بعد از ابی طالب نسبت به من نیکوکارتر از او نبوده است. من پیراهن خود را بر او پوشاندم تا او از جامه های بهشتی بپوشد، و در قبر با او خوابیدم تا از فشار قبر در امان باشد». (۱)

و در طبقات ابن سعد از سهل بن سعد روایت کند که گفت:

«زنی با عباّی بافته شده حاشیه دار خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و گفت: یا رسول الله! من این عبا را با دست خود بافته و آن را آورده ام که بر شما بپوشانم. راوی گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که بدان نیاز داشت، آن را پذیرفت و پوشش خود قرار داد و روزی که با آن در جمع ما آمده بود، فلان بن فلان آن را برانداز کرد و گفت: یا رسول الله! این عبا چقدر نیکوست! آن را بر من بپوشان! فرمود: باشد. پس، تا آنجا که خدا خواست در آن مجلس نشست و سپس مراجعت فرمود و چون به منزل رسید، آن را پیچید و نزد او فرستاد. مردم به او گفتند: کار

پاورقی:

۱- کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۴۷، حدیث ۳۴۴۲۴؛ اصابه، ج ۸، ص ۱۶۰؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۱۷؛ استیعاب در حاشیه اصابه، ج ۴، ص ۳۲۸، چاپ مصر ۱۳۲۸ هجری؛ صفوة الصفوة، ج ۲، ص ۵۴، در شرح حال فاطمه بنت اسد؛ ذخائر العقبی، ص ۵۵ و ۵۶؛ فصول المهمّة، ابن صباغ مالکی، ص ۳۱ و ۳۲؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۷ و ۸۹۸؛ و ینابیع المودة.

خوبی نکردی، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چون به آن نیاز داشت آن را پذیرفت و تو که می دانستی پیامبر هیچ سائلی را رد نمی کند آن را از او درخواست کردی! آن مرد گفت: به خدا سوگند، آن را برای پوشیدن بر خود نخواستم، بلکه او را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست کردم تا کفن روز مرگم باشد». (۱)

سهل گوید: آن عبا روز مرگ کفن او بود.

پاورقی:

۱- طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ذکر لباس الرسول.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

ساعت : ۲۳/۲۶

روز : دوشنبه

۱۰ / خرداد ماه / ۱۳۹۵

کرمرضا خزلی

یار مهربان

www.baghemino.com

baghemino.1339@gmail.com

Tel:09125411283-09356411283

کرم رضا خانی